

بسم الله الرحمن الرحيم

مصر در سیلاب‌ها غرق می‌شود؛ در حالی که سیسی - فرعون مصر - به ساختن قصرها مشغول است!

(ترجمه)

خبر

مصر در روزهای گذشته نه چندان دور شاهد بارندگی‌های زیاد و پیاپی بود، درین جریان سرک‌ها، تونل‌ها و میدان‌های هوایی/ فرودگاه قاهره تبدیل به حوض‌های آبی شدند. چنانچه دریکی از کلیپ‌ها دیده شده که موتورها از حرکت باز مانده اند و بلدوزرها مردم را از یک جا به جای دیگر انتقال می‌دهند، طوری که خبرنگاران گفته اند: حتی میدان هوایی/ فرودگاه بین المللی قاهره نیز از باران در امان نماند است؛ بلکه باران داخل ساختمان شماره یک شده است. در برابر این، نخست وزیر مصر به خاطر دشوار بودن رفت و آمد، مکاتب/مدارس و پوهنتون‌ها/دانشگاه‌ها را در قاهره تعطیل نمود. اما در شهرهای دیگر همچون: سویس، دمياط، زقازيق و اسکندریه بارندگی‌های متعاقب فرود آمده و در اسکندریه آب‌ها در منطقه منشیه بالا آمده و واحدهای تجارتي را مسدود ساخته است. بسیاری از اشخاص در حساب تویتر خود اوضاع جاری در مصر را در یک هشتگ به تمسخر گرفته و نوشته اند که: «مصر در کفن غرق می‌شود.»

تبصره

بارندگی‌های پیاپی و فراوان یک پدیده طبیعی در سراسر جهان می‌باشد، که قطعاً غیرمأنوس و عجیب نبوده بل پدیده‌ای است که در دایره واقع می‌شود که بالای انسان مسلط است و انسان نمی‌تواند که آن را دفع و یا کاهش دهد و یا هم بر آن مسلط شود، و آن دایره نیست جز دایره قضاء. اما آنچه که در دایره و چارچوب تصرفات انسان واقع بوده و در ضمن چارچوب تصرفاتش، کارهایی را که انجام می‌دهد، حاصل می‌گردد، اینست که باید در کارهای خود به اسباب چنگ زده و اسباب مورد نیاز را آماده سازد نه این که به دایره قضاء تکیه کرده و به آن اکتفاء کند و آنرا مورد ملامت قرار دهد تا بدینوسیله تقصیرش را توجیه نماید. بدین ترتیب درینجا آنچه که تحت دایره تصرفات انسان واقع می‌باشد اینست که باید به ساختن زیر بنای مستحکم پرداخته تا این که اضرار باران‌های پیاپی و فراوان را کاهش دهد، مانند کانال‌های آب‌رو بزرگ که آب را به بحر و یا هم به مناطق دوردست جریان دهند تا بدینوسیله مردم اذیت نشوند و هر باری که باران پیاپی باریدن می‌گیرد، زندگی‌شان مختل نشود. درجهان مناطقی هستند که نه تنها در زمستان بلکه در اغلب روزهای سال بارندگی در آن ادامه دارد، با آن هم تاکنون نشنیده‌ایم و ندیده‌ایم که سرک‌ها غرق شود و دروازه‌های مکاتب/مدارس و پوهنتون‌ها/دانشگاه‌ها بسته شود، بلکه زندگی در آن بطور عادی و طبیعی جریان دارد و علت آن اینست که آن‌ها اسباب را بکار گرفته اند و برای کار خود تدابیر آن را فراهم نموده اند.

اما فساد سیاسی فراگیر در تمام سرزمین‌های اسلامی و هم‌چنین غارت اموال، توسط کسانی که مسئولیتی را در آنجا بدوش می‌گیرند، دست بالای داشته که دیگر آسایش سرزمین‌ها و ترقی آن‌ها و هم‌چنین آسودگی فرزندان‌شان دغدغه برای سیاسیون نبوده و مرگ و میر مردم برای‌شان فرق نمی‌کند که به سبب فقر باشد و یا هم به سبب امراض، و برای‌شان یکسان است که

سرزمین‌های اسلامی توسط سیلاب‌ها غرق شود و یا این که توسط آتش سوزی‌ها بسوزد؛ چون آسودگی مردم و برخورد نیک با آن‌ها آخرین چیزی است که این طاغوت‌ها به آن فکر نخواهند کرد. الله متعال‌ها آن‌ها را نابود کند.

اگرچه سرزمین‌های وجود دارند که الله متعال آن سرزمین‌ها را به وسیله ثروت‌های گوناگون با ارزش و گران قیمت ساخته است که نمی‌توان آن‌ها را برشمرد، مانند حرمین شریف؛ اما متأسفانه هر باری که در آنجا باران باریدن می‌گیرد، چیزی حیرت‌انگیزی را مشاهده می‌کنیم و آن این که شهرها غرق و زندگی مختل می‌شود و وسائل مواصلات به سبب باران از کار می‌افتند. پس حکام بی‌خردشان را چه چیز مانع می‌شود که زیربنایی برای جریان آب‌ها بسازند؟ آیا اموال امت را که از زمان تسلطشان تا اکنون به غارت برده‌اند برای‌شان بسنده نمی‌کند؟ چه چیزی سبسی، فرعون مصر را باز می‌دارد که به عوض فشارآوردن بالای مردم توسط مالیات و مکیدن خون‌شان، حال‌شان را حفظ و به آسودگی‌شان توجه کند؟ آیا توجه به حال مصری‌ها از ساختن قصرهای دلگشا مناسب‌تر و مهم‌تر نیست؟ و فایده این قصرها چیست درحالی که فرزندان کنانه در جای قبرستان مانند زندگی می‌کنند؟

سخن از مصیبت‌های دلخراش مصر است، اما متأسفانه چیز عادی به نظر می‌رسد، روزی سپری نمی‌شود که از آنجا مصیبتی را نشنویم، سبسی فرعون مصر و حکومت‌اش همه وقت بی‌باکانه در گمراهی‌شان به سربرده و برای چاره‌جویی مشکلات مردم حرکت نمی‌کنند. در آنجا یک روز گذرگاه غرق می‌شود، یک روز ساختمانی فرو می‌پاشد، یک روز آتش سوزی را می‌شنویم و یک روز هم کل مصر غرق در باران‌ها می‌شود. در روز شنبه گذشته مصیبتی را شنیدیم که قلب‌ها را می‌شگافد، واقعه از این قرار است که بازرس یکی از قطارها از دو جوان خواست که یا قیمت تکت را بپردازند و یا هم بدون کدام وقفه قطار را ترک کنند، در نتیجه هر دو جوان به بیرون از قطار پریدند که یکی از آن‌ها بین عرابه‌های قطار افتاد و جان داد و دومی دستش شکست و لاجول ولا قوة الا بالله. چه کسی مسئول این بی‌پروایی‌هاست؟ آیا اولین مسئول نظام پلید سبسی نیست؟

الله متعال حضرت عمر فاروق را غرق رحمت خود کند، آن که می‌ترسید که اگر راه را برای حیوانات هموار نکنند، الله وی را مورد محاسبه قرار خواهد داد. اما در زمان این حکام مزدور و احمق برای مسلمان حقوق و ارزشی باقی نمانده و نه تنها که خون مسلمان مصون نمی‌ماند؛ بلکه مسلمان مباح الدم به حساب رفته و هیچ محافظتی از آن صورت نمی‌گیرد و اگر کفار او را نکشند حکام مزدورشان او را می‌کشند و اگر آن‌ها نیز او را نکشند، پس درین صورت با وی مثل برده و غلام برخورد می‌کنند.

ای برادران! دیگر برای هیچ کسی پوشیده نیست که هر بار و تا هر زمانی که این گروه اندک و پلید بر ما حکم کنند، پس هرگز برای ما قدرتی به پا نمی‌ایستد و هرگز برای ما پرچمی بلند نمی‌شود و هرگز نهضتی برای ما بوقوع نمی‌پیوندد و اگر تغییر داده شوند و به جای‌شان خلیفه‌اشده‌ای مثل حضرت عمر قرار داد شود، آن راه‌حل حقیقی خواهد بود که غیر از آن راه حل دیگری وجود ندارد و آن خلیفه شخصیتی است که بر اساس اسلام سیاست می‌کند، برای آسودگی مسلمانان شب زنده‌داری می‌کند، با دشمنان‌شان می‌جنگد و از سرزمین‌های‌شان پاسبانی می‌کند و ثروت‌های سرزمین‌شان را به اساس عدالت و مساوات تقسیم می‌کند. آگاه باشید! بخاطر این باید اهل عمل بکوشند.

مترجم: محمد مزمل